

جهانی شدن و امنیت (نامنی)

مؤلف: یان آرت شولت

مترجم: خلیل‌الله سردارآبادی

تاریخ ارائه: ۱۳۸۲/۱۰/۱۵

تاریخ تأیید: ۱۳۸۲/۱۱/۶

چکیده

جهانی شدن پیامدهای مثبت و منفی مهمی برای ابعاد گوناگون امنیت انسانی اعم از امنیت نظامی، بوم‌شناختی، اقتصادی، فرهنگی و روان‌شناختی داشته است. در عین حال مقاله حاضر مدعی است که پیامدهای منفی، عمدتاً ناشی از ماهیت روند جهانی شدن بلکه بیشتر متأثر از تفاسیر و قرائت‌های نئولیبرال از فرآیند مذکور است. جهانی شدن از یک سو به کاهش جنگ‌ها و درگیری‌های نظامی، افزایش پیشرفت‌های مادی، افزایش نسبی رفاه و اشتغال و رشد یکپارچگی‌های گوناگون منجر شده و از دیگر سوی، گسترش تکنولوژی نظامی ویرانگر، تخریب فزاینده محیط زیست، بی‌ثباتی مالی، انحطاط فرهنگی و کاهش انسجام اجتماعی را در پی داشته است. به بیان دیگر در اثر روند یاد شده شیوه‌های فرادولتی نظارت و تأمین حفظ محیط زیست افزایش یافته‌اند اما ساز و کارهای اقتصاد جهانی شده به شدت آلوده کننده محیط زیست هستند. همچنان‌که سرمایه‌داری جهانی به افزایش سریع‌تر رفاه در جوامع صنعتی کمک کرده اما تنها معدودی از کشورها وضعیتی مشابه جوامع یاد شده دارند و رژیم‌های تجارت جهانی، آسیب‌های بسیاری را متوجه کشورهای فقیر کرده‌اند. از سوی دیگر شرکت‌ها و صنایع جهانی میلیون‌ها شغل جدید را به وجود آورده‌اند اما انتقال گروهی نیروی کار موجب از دست دادن شغل و هراس از ناامنی شغلی شده است. بنابراین در مجموع می‌توان گفت روایت‌های نئولیبرال و راست‌جدید از فرآیند جهانی شدن، وجوه امنیت‌زای آن را تحت تأثیر قرار داده و بر ناامنی‌های ناشی از این روند افزوده است. **کلیدواژه‌ها:** امنیت، صلح، امرار معاش، ثبات مالی، هویت، یکپارچگی اجتماعی

مقدمه

برای آغاز یک ارزیابی هنجاری از جهانی شدن، مقاله حاضر سؤالات امنیتی را برجسته می‌سازد. به چه شیوه‌ها و تا چه اندازه‌ای، جهانی شدن در جهان معاصر امنیت و اعتماد بشر را افزایش یا کاهش داده است؟ البته امنیت مطلق وجود ندارد و هیچ نظام اجتماعی نمی‌تواند بی‌ثباتی، خطر، ویرانی و مرگ را به طور کامل رفع کند. با این وجود، شرایط گوناگون می‌تواند میزان امنیت نسبی را افزایش یا کاهش دهد. بنابراین سؤال این است که جهانی شدن چگونه و با چه شیوه‌هایی می‌تواند امنیت را افزایش یا کاهش دهد و اینکه آیا ما منافع بالقوه را بیشینه کرده و تهدیدهای احتمالی را به حداقل رسانده‌ایم؟

بحث ذیل، ابعاد گوناگون امنیت نظامی، محیطی، اقتصادی، روانشناختی و فرهنگی را بررسی می‌کند. به طور سنتی در تجزیه و تحلیل‌های روابط بین‌الملل فرض بر این بوده است که امنیت در مسائل جهان چیزی فراتر از حفظ تمامیت ارضی کشورها و نبود (یا حداقل محدود کردن) کشمکش‌های نظامی نیست. در عین حال، گسترش و پیشرفت امروزی ارتباطات، تولیدات، بازارها، دارایی‌ها و آگاهی‌ها در عرصه جهانی، به گسترش دستور کارهای امنیتی در حوزه‌های فراتر از موضوعات صرف نظامی کمک کرده است. همچنین برداشت مفهومی از امنیت در سیاست جهان تضمین یکپارچگی بومی، امرار معاش، ثبات مالی، استخدام، هویت فرهنگی، انسجام اجتماعی و دانش را در برمی‌گیرد. (۱)

می‌توان انتظار داشت که جهانی شدن همزمان دارای ابعاد مثبت و منفی امنیتی باشد. روند شتابان جهانی شدن در دهه‌های اخیر ممکن است با برخی جنبه‌های جنگ‌های محدود، افزایش حساسیت‌های بومی، پیشرفت‌های مادی و اخلاقیت‌های فرهنگی همراه شود. به عبارت دیگر ظهور فراقلمروگرایی می‌تواند با توانمندی‌های نظامی ویرانگرتر، تخریب فزاینده محیط زیست، فقر پایدار، بی‌ثباتی مالی بیشتر، استخدام و وضعیت

شغلی متزلزلتر، انحطاط فرهنگی، عدم انسجام اجتماعی بیشتر و نگرانی افروخته‌تر نسبت به وضعیت دانش همراه گردد.

بر این اساس مقاله حاضر بر زیان‌های احتمالی ناشی از جهانی شدن بیش از منافع حاصل از آن، تأکید می‌گذارد. اولویت با بهبود اوضاع است. به راستی ناامنی‌های ناشی از ظهور فراقلمروگرایی در تاریخ معاصر فراوان بوده‌اند. این آسیب‌ها تا آنجا قابل ترمیم هستند که بتوان به کاهش ناامنی‌ها امیدوار بود، به عبارت دیگر وجود این مشکلات اساساً ناشی از نفس جهانی شدن نیست بلکه از مسیرهای خاص جهانی شدن که تاکنون طی کرده‌ایم ناشی شده‌اند. بنابراین تنها یک انتقاد از سیاست‌های (عمدتاً نئولیبرال) رایج است نه رد نفس جهانی شدن. رویکرد متفاوت به فراقلمروگرایی باید به ما اجازه دهد که آسیب‌های وارده بر امنیت بشر را بدون از دست دادن منافع آن کاهش دهیم.

الف. صلح

به نظر می‌رسد جهانی شدن می‌تواند از جنگ و کشمکش مسلحانه بین دولت‌ها در جهت تصاحب سرزمینها و قلمرو کشورها بکاهد، [ولی با این وجود جهانی شدن] برای بیشتر ملاحظات و منافع فراقلمروگرایی هدف چندانی را تامین نمی‌کند. در بخش‌هایی از دنیا که جهانی شدن بیشترین پیشرفت را داشته است حکومت‌ها تا حد قابل توجهی به بازارهای قدرتمند بین‌المللی و شبکه‌های ارتباطات جهانی وابسته بوده و با آنها مواجهند، بازارهایی که عملکرد آنها تا حد زیادی با ماجراجویی‌های نظامی مختل خواهد شد. علاوه بر این بیشتر شهروندان از جمله محافظ قدرتمند نخبگان تعهدات خود را نسبت به مسایل جهانی و پیوستگی به اجتماعات جهانی افزایش داده‌اند؛ پیوندهایی که از علاقمندی و گرایش آنان به هم‌آوردخواهی‌های قدیمی برای اشغال سرزمین‌ها می‌کاهد.

علاوه بر این، رشد حاکمیت فرادولتی امکان کنترل تسلیحات را بیش از پیش فراهم ساخته است. برای مثال برخی از معاهدات بین‌المللی (برخی با برد منطقه‌ای و برخی با پوشش جهانی) آزمایش و گسترش تسلیحات هسته‌ای را محدود کرده‌اند. معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) که در سال ۱۹۶۸ توسط سازمان بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) شکل گرفت (اگرچه نه با موفقیت کامل) از گسترش تسلیحات هسته‌ای وزرادخانه‌های دولتها جلوگیری کرده است. در پایان سال ۱۹۹۹، جمعی متشکل از ۱۲۹ دولت، پیمان ۱۹۹۳ تسلیحات شیمیایی را تصویب و امضاء کردند. این پیمان از سال ۱۹۹۷ توسط سازمان دائمی ممنوعیت تسلیحات شیمیایی (OPCW) اجرا می‌شود. همچنین نظارت‌های جهانی بر تسلیحات بیولوژیک و مین‌های زمینی گسترش یافته‌اند. بویژه مبارزه فرامرزی علیه مین‌های زمینی نشان داده است که امکان بسیج پشتیبانی‌های همگانی اساسی برای نظارت نیرومندتر بر تولیدات و تجارت جهانی تسلیحات وجود دارد. (۲)

حاکمیت فرادولتی، ابزار جدیدی را برای مدیریت تعارض نیز فراهم آورده است. از دهه ۱۹۵۰ سازمان ملل اقدامات حفظ صلح در هنگام کشمکش بین دولتها را گسترش داده و در دهه ۱۹۹۰ این سازمان کمک‌های اساسی بشردوستانه خود را نیز در جنگ‌های داخلی افزایش داده است. (۳) برخی از این تلاشها کامیابی چندانی نداشته، اما برای مثال کمک‌های مثبت گوناگون سازمان ملل به کاهش کشمکش‌ها در کامبوج، قبرس و نامیبیا افزایش یافته است. در ضمن سازمان‌های مدیریت منطقه‌ای مانند سازمان وحدت آفریقا (O.A.U) و سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) ابتکارهایی را در مدیریت کشمکش‌ها در حوزه‌های مربوطه به عهده گرفته‌اند. از سوی دیگر سازمان‌های بشردوستانه غیردولتی فرامرزی نیز معمولاً به نهادهای جهانی و منطقه‌ای در کاهش آسیب‌های ناشی از جنگ یاری رسانده‌اند.

با وجود این، ظهور فراقلمروگرایی امنیت ما را در مقابل خطرات نظامی در همه زمینه‌ها افزایش نداده است. نهایتاً اینکه صلح در میان دولت‌های بزرگ، از میانه قرن بیستم، با شبحی از ویرانی که هرگز در گذشته سابقه نداشته همراه شده است. با وجود پایان جنگ سرد و حتی پس از اجراء کامل توافقنامه استارت (کاهش سلاحهای استراتژیک)، جهان هنوز به حد کافی سلاحهای هسته‌ای برای محسو کامل نژادبشر در اختیار دارد. تسلیحات جهانی از قبیل جت‌های جنگنده، موشک‌ها و ماهواره‌های جاسوسی، بذر ناامنی را در هدف قرار دادن آمال بشری کاشته‌اند اگرچه این ابزار فعال نشده است. علاوه بر این دارندگان چنین تسلیحاتی پیوسته نگران آندکده دشمنان احتمالی بتوانند توانمندی‌های مشابهی کسب کنند و یا بدتر از آن فن‌آوری‌های پیچیده‌تر برای حمله به فراقلمرو، همچنان گسترش یابند. میثاق منع آزمایش تسلیحات هسته‌ای در سال ۱۹۹۶ امضاء شد؛ هرچند که پس از استنکاف مجلس سنای ایالات متحده از تصویب آن مبهم باقی ماند.

علاوه بر این، وقوع جنگ بین دولت‌ها در خارج از حوزه کشورهای شمال نیز تداوم یافته است. در دهه‌های اخیر جهان شاهد جنگ‌های مسلحانه بین دولتهای ویتنام و کامبوج، ایران و عراق، اکوادور و پرو و اریتره و اتیوپی بوده است. در واقع دسترسی جهانی به نیروهای واکنش سریع و مانند آن، مداخله نظامی دولت‌های شمال در کشمکش‌های جنوب و شرق را تسهیل کرده است؛ بویژه اینکه حکومت ایالات متحده نیروهای مسلح را به بالکان، جزایر کارائیب، آمریکای مرکزی، شاخ آفریقا و خلیج فارس اعزام کرده است. منافع سرزمینی، حکومت بریتانیا را به جنگ با آرژانتین در جزایر فالکلند (مالویناس) در سال ۱۹۸۲ سوق داد و نیم سده پس از گسترش جهانی شدن، شرایط جنگی در شبه جزیره کره - که در آنجا برخواست مردم برای برقراری اتحاد سرزمینی تحت یک دولت - ملت واحد قطع نظر از مداخله عمیق کره جنوبی در روابط جهانی پافشاری شده است - خاتمه نیافته است. در نهایت تجدید حیات گسترده

(هویت‌های) قومی - مذهبی ناشی از فرآیند جهانی شدن، جنگ‌های داخلی در خارج از حوزه کشورهای شمال در افغانستان، آنگولا، اندونزی، روسیه، سری‌لانکا، سودان، یوگسلاوی پیشین و غیره را افزایش داده است.

همچنین جهانی شدن و نظامی‌گری، تا حد زیادی و به طرق مختلف به هم وابسته شده‌اند برای مثال دو سال پس از اختراع تلفن از آن در جنگ‌ها استفاده شد. (۴) همچنین با تکیه بر ارتباطات فرامرزی توسط رادیو و لیزر، اهداف نظامی مهمی تسخیر شده است. شبکه‌های کامپیوتری ابتدا توسط نیروهای مسلح ایالات متحده در سال ۱۹۶۹ بطور گسترده مورد استفاده قرار گرفت و به ابزار کلیدی جنگ‌های معاصر برای دولت‌های بزرگ مبدل شد. بسیاری از عملیات‌های نظامی آینده ممکن است بر تهاجم به سیستم‌های کامپیوتری متمرکز باشد تا حوزه‌های سرزمینی. سرمایه جهانی زیادی برای تامین هزینه جنگ خلیج فارس در سال ۹۱-۱۹۹۰ پرداخت شد، همچنین جنگ نفت، نگرانی جدی زیست‌محیطی را برانگیخت. کمپانی‌های جهانی تا حد زیادی برای تولید تجهیزات نظامی شکل گرفته‌اند، تا آنجا که تاجران جهانی، تسلیحات بسیاری را به دولت‌های ضعیف و به شورشیانی که علیه آنها می‌جنگند فروخته‌اند. سازمان‌های جهانی در قالب ساختارهای اتحاد نظامی از قبیل ناتو، در جهت جلوگیری از فعالیت‌های شبه نظامی فرامرزی گروه‌های تروریستی گوناگون و خشونت مسلحانه شبکه‌های جرائم فراملی، نقش داشته‌اند.

ب. سازگاری بوم شناختی (محیطی)

همان‌طور که پیشتر نیز تاکید شد، در سیاست جهان، امنیت چیزی بیش از مسایل نظامی را دربرمی‌گیرد. همچنین امنیت بشری اساساً به حفظ رابطه پایدار مردم و محیط طبیعی وابسته است. نیازی به گفتن نیست که زندگی بشری شرایط اتمسفری، هیدروسفری، ژئوسفری و بیوسفری خاصی را می‌طلبد. ما به هوای قابل تنفس، آب

آشامیدنی، خاک قابل کشت و همزیستی با سایر موجودات زنده نیازمندیم. مسایل زیست محیطی اهمیتی قابل ملاحظه در دستور کارهای امنیتی معاصر یافته‌اند که این امر تا حد زیادی مرهون تحولات بوم‌شناختی جهانی است. گروه‌های بی‌شمار، محافل علمی، مؤسسات رسمی و بسیاری از شرکت‌ها به گونه‌ای بی‌سابقه کانون توجه خود را بر مسایل زیست‌محیطی قرار داده‌اند. بطور کلی بیشتر حساسیت‌ها، نگرانی‌ها و علایق اکولوژیکی به افزایش آگاهی‌ها از آسیب‌پذیری زندگی و احساس ناامنی‌های ناشی از آن شمایل مربوط بوده است.

فن‌آوری‌های مرتبط با جهانی شدن، توانمندی‌های بی‌سابقه انسان اندیشه‌ورز را در کنترل ماهرانه نیروهای طبیعت در جهت نیل به اهداف انسانی نشان داده‌اند. به عنوان مثال، روابط جهانی، به طور گسترده‌ای امکان گریز از محدودیت‌های جغرافیایی سرزمینی را برای بشر فراهم ساخته است. علاوه بر این ارتباطات از راه دور، پردازش و داده‌های دیجیتالی (رقمی)، کنترل ماهواره‌ها و مانند آن ابزارهای بسیار پیچیده‌ای را برای پیش‌بینی بلایای طبیعی و کنترل روندهای بوم‌شناختی فراهم کرده‌اند.

از سوی دیگر فن‌آوری‌های جهانی شدن تا حد زیادی آلوده کننده بوده‌اند. هواپیماها هوا را آلوده کرده‌اند و کشتی‌ها که تجارت جهانی از طریق آنها انجام می‌شود، دریاها را آلوده کرده‌اند. بیشتر انرژی‌ها که در زمینه ارتباطات جهانی صرف می‌شود، از سوخت‌های هسته‌ای و فسیلی و فرآورده‌هایی که زمین و هوا و دریا را آلوده می‌کند، به دست آمده است. برخلاف انتظار، کامپیوترها به جای کاهش کاربرد کاغذ در عمل استفاده از کاغذ را افزایش داده‌اند، که این امر فشار بر جنگل‌ها را دو چندان ساخته است. گردش سریع کالاهای مصرفی جهانی به طور گسترده بر انبوه مواد زاید و تجزیه‌ناپذیر افزوده است. موشک‌های مورد استفاده و ماهواره‌ها فضای ماوراء جو را آلوده کرده‌اند.

غالباً سرمایه‌داری جهانی، امنیت زیست‌محیطی را به شیوه‌های دیگر نیز کاهش داده است. برای مثال برخی کمپانی‌ها بویژه تولیدکنندگان مواد سمی مثل حشره‌کش‌ها و فلزات سنگین مثل روی، عملیات خود را در سطح جهانی بعضاً در مکان‌هایی استقرار می‌دهند که دارای مقررات زیست‌محیطی الزام‌آور نیست. (۵) همچنین به موازات آنکه دولت‌ها و مصرف‌کنندگان در کشورهای شمال، برخی از فرآورده‌های تنباکویی، دارویی و آفت‌کشها را محدود یا تحریم کرده‌اند، بازاریابی‌های جهانی، نمایندگی‌های جدید فروش خود را برای بسیاری از این کالاها در جنوب شرق‌ایجاد کرده‌اند. نزدیک به یک سوم از حشره‌کش‌های صادر شده از شمال، در کشورهای تولیدکننده غیرقانونی، ثبت نشده یا بلااستفاده است. همچنین تجارت جهانی زباله‌های سمی، مردم جنوب را با خطرات بدی مواجه کرده است. یک منبع محاسبه کرده است که گروهی از کمپانی‌ها طی سال‌های ۱۹۹۴ - ۱۹۸۹ بیش از پانصد مورد تلاش در جهت انتقال بیش از ۲۰۰ میلیون تن مواد زائد از کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به کشورهای جنوب به عمل آورده‌اند. همچنین اعطای وام‌های فرامرزی، سبب گسترش تخریب محیط زیست شده‌اند. برای مثال دولت‌ها صادرات خود را به منظور کسب دستاوردهای داد و ستد خارجی برای بازپرداخت بدهی‌هایشان افزایش داده‌اند. همچنین برخی وزارتخانه‌های خاص، طرح‌ها و سیاست‌های زیست‌محیطی را جهت به دست آوردن اهداف مالی مرتبط با برنامه‌های تعدیل ساختاری پیشنهاد شده از سوی بانک جهانی رها کرده‌اند. (۶)

آلوده‌کننده‌های هوایی فرامرزی متاسفانه می‌تواند جنگل‌ها و دریاچه‌ها را تخریب کند. حوادث هسته‌ای و نازک شدن لایه اوزون کابوس شیوع گسترده سرطان را در پی دارد. کاهش تنوع زیستی ممکن است زمین را به آستانه کاهش انواع موجودات و حتی بیشتر تا نابودی جو زمین به پیش ببرد. افزایش سطح آب‌دریاها همراه با تغییرات جوی

می‌تواند تا حد زیادی نواحی ساحلی مسکونی و کشورهای جزیره‌ای کوچک را زیر آب برد. آلودگی زیاد خاک و آبهای آشامیدنی نیز زیست بشر را تهدید می‌کند.

با ارایه چنین چشم‌اندازهایی، ظهور زیست بوم اجتماعی جهانی موجب وحشت عمومی ساکنین زمین شده است. برای مثال رشد سریع جمعیت جهان در اواخر دهه ۱۹۶۰ به ترس گسترده از انفجار جمعیتی منجر شد. بحران‌های نفتی جهانی دهه ۱۹۷۰ نگرانی در زمینه اتمام قریب‌الوقوع منابع طبیعی، حیاتی را دامن زد. بیماری‌های مسری جهانی، ایدز و سلسله بیماری‌های عمومی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ را ایجاد کرده‌اند. پنخش مواد غذایی تهیه شده به شکل ژنتیکی از طریق بازارهای فرامرزی شرکت‌های تجاری کشاورزی و بیوتکنولوژی، نگرانی بیشتری را به همراه داشت. در یک کلمه، مسائل زیست محیطی جهانی یک منبع اولیه ناامنی در وضعیت بشر معاصر است.

اطمینان داشته باشیم، ما برخی توانمندیها را برای مدیریت جهانی موضوعات زیست محیطی گسترش داده‌ایم. در این زمینه رژیم حقوقی لایه اوزون در معاهده وین ۱۹۸۵ تنظیم و پروتکل مونترال ۱۹۸۵ با موفقیت تصویب شد. تا سال ۱۹۹۷ تولیدات جهانی مواد نازک کننده لایه اوزون ۷۶ درصد نسبت به سال ۱۹۸۸ کاهش یافت. (۷) همچنین، کمک در راستای تسهیل برنامه‌های زیست محیطی جهانی که از ۱۹۹۴ به بعد عملی شد توسط برنامه عمران ملل متحد (UNDP) و برنامه محیط زیست ملل متحد (UNEP) و بانک جهانی به مرحله اجراء گذاشته شد که حدود ۲ میلیارد دلار برای کمک به کشورهای فقیر به منظور سرمایه‌گذاری در زمینه حفظ و پایداری محیط زیست، تعهد مالی داشته است.

به طور کلی، نباید درباره پیشرفت در زمینه مراقبت‌های زیست محیطی جهانی اغراق کرد. برای مثال روند پیشرفت اجرای معاهده سال ۱۹۹۲ در مورد تغییرات اقلیمی بسیار کند بوده‌است. پیشنهادهای گوناگونی در مورد وضع مالیات بر کربن، مجوزهای قابل دادوستد در زمینه انتشار گازهای گلخانه‌ای و دیگر مکانیسم‌های توسعه پاکیزگی

برای کاهش گرمای جهانی به جریان افتاده‌اند. هر چند که ۶ مورد از کنفرانسهای سازمان ملل در طی دهه ۱۹۹۰ در مورد تغییرات جوی نتایج بسیار محدودی داشته است.

ج. امرار معاش

هواداران نئولیبرال جهانی شدن اظهار داشته‌اند که تولیدات، بازارها، پول و مالیه جهانی بر اساس منطق جادویی بازار آزاد به طور خود به خود پیشرفت مادی را برای همه کشورها به بار می‌آورند. مطمئن باشیم که شرکت‌های جهانی مقیاسهای با صرفه‌ای برای بسیاری از تولیدکنندگان و انتخاب بیشتر کالاها برای بسیاری از مصرف‌کنندگان را فراهم کرده‌اند. سفرهای جهانی، ارتباطات از راه دور، رادیو و تلویزیون، زندگی صدها میلیون نفر را غنی‌تر ساخته‌اند.

با وجود این آیا گسترش فراقلمروگرایی منجر به رهایی از فقر مادی شده است؟ به احتمال بسیار، فقر جهانی با برخی اقدامات در طی دوره‌ای که جهانی شدن سرعت یافته، کاهش یافته است. برای مثال ضمایم گزارش توسعه انسانی سازمان ملل گویای آن است که نسبت جمعیت جهان که در فقر به سر می‌برند به کمتر از نصف آن در فاصله بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۲ کاهش یافته است. صرفاً از حیث تعداد، بسیاری از مردم در نیمه دوم سده ۲۰ به مراتب بیشتر از ۵۰۰ سال پیش، از فقر رهایی یافته‌اند. (۸)

در جنوب، متوسط درآمد سرانه بیشتر جمعیت فقیر جهان، در فاصله بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ بیش از دو برابر شده است. متوسط امید به زندگی در جنوب تا بین سالهای ۱۹۶۰ تا میانه دهه ۱۹۹۰، ۱۷ سال افزایش یافته است. (۹) مرگ و میر کودکان به بیش از نصف بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۴ کاهش یافت. بیسوادی بزرگسالان از نزدیک به ۶۰ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۳۵ درصد در سال ۱۹۹۴ کاهش یافت. سهم جمعیت جهان در دسترسی به آب سالم از ۴۰ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۷۲ درصد در سال ۱۹۹۷ افزایش یافت. این‌گونه پیشرفت‌ها از این نوع بویژه در کشورهای به اصطلاح در حال

صنعتی شدن، در بخشی از شرق و جنوب شرق آسیا و آمریکای لاتین آشکار شده است. برای مثال در شیلی یک میلیون نفر فقط در اوایل سال ۱۹۹۰ از فقر رهایی یافتند. (۱۰)

برخی از این کاهش فقر ممکن است تا حدی به جهانی شدن مربوط باشد. در فاصله سالهای دهه ۱۹۷۰ و اواخر دهه ۱۹۹۰، کشورهای صنعتی شده جدید، عموماً با افزایش مداخله در سرمایه‌گذاری، تولید و بازار جهانی به تناوب پیشرفت کرده‌اند. تولید ناخالص ملی چین بین سال ۱۹۷۸ (سال گشودن درها به سوی تجارت جهانی) و سال ۱۹۹۳ افزایش یافت. میزان فقر در چین، از ۲۸۰ میلیون فقیر در ۱۹۹۰ به ۱۲۵ میلیون نفر در ۱۹۹۷ کاهش یافت. (۱۱)

با وجود این، نیم قرن جهانی شدن شتابان، بطور روشن فقر را از چهره کره زمین نزدوده است. برعکس اگرچه نسبت فقر مطلق از ۱۹۶۰ کاهش یافته ولی کمیت مطلق آن رشد یافته است. مطابق تخمین بانک جهانی تعداد افرادی که کمتر از یک دلار در روز درآمد دارند از ۱/۲ میلیارد نفر در ۱۹۸۷ به ۱/۵ میلیارد نفر در سال ۱۹۹۷ افزایش یافته است. در طی دهه ۱۹۸۰، ۳۷ مورد از فقیرترین کشورهای جهان قطع بودجه‌های بهداشتی را تجربه کردند. همانطور که در اواسط دهه ۱۹۹۰، حدود ۱۷ درصد جمعیت جهان (۸۲۸ میلیون نفر) تا حد زیادی دچار سوء تغذیه شده‌اند. (۱۳) بیش از ۸۰ درصد این گرسنگی، ناشی از فقر درازمدت بوده تا وضعیت اضطراری. (۱۴)

علیرغم تلاشهای هماهنگ برای گسترش توسعه، بسیاری از تلاشهای کارگزاران جهانی در سرزمین‌های جنوبی منجر به تبدیل آنها به کشورهای تازه صنعتی نشده است. به غیر از برخی موارد، نزدیک به ۷۰ کشور هیچ نوع افزایش در درآمد سرانه خود در بین سالهای دهه ۱۹۸۰ تا اواسط دهه ۱۹۹۰ نداشته‌اند و در ۴۳ کشور درآمد سرانه در اواسط دهه ۱۹۹۰ نسبت به دهه ۱۹۷۰ کاهش یافته است. (۱۵)

همچنین فقر گاهی حتی در خارج از کشورهای جنوب و در عصر جهانی شدن تمام عیارافزایش یافته است. به راستی در کشورهای مشخص در دوران به اصطلاح گذار اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق شاهد افزایش رشد چشمگیر فقر در طی دهه ۱۹۹۰ بوده‌ایم. در عمل امید به زندگی در هفت کشور در این مجموعه پس از سال ۱۹۸۹ کاهش یافت. (۱۶) ضمن اینکه زاغه‌نشینان در جنوب شیکاگو محرومیت همراه با فقر را تحمل کرده‌اند. در فاصله اوایل دهه ۱۹۸۰ و اواسط دهه ۱۹۹۰ تعداد کودکان فقیر به ۱۳ درصد در ایالات متحده آمریکا و نصف آن در بریتانیا افزایش یافت. (۱۷)

بخشی از این فقر را تا حدی می‌توان به جهانی شدن نسبت داد، برای مثال گروه‌های آسیب‌پذیر در جنوب، شمال و شرق همگی از قطع شرایط دولت رفاه در سیر باز تعدیل ساختارهای اقتصادی به منظور هماهنگی با سرمایه‌داری جهانی آسیب دیده‌اند.

غالباً از حکومتها انتظار می‌رود که با تأثیرات ویرانگر و مکرر جهانی شدن بر اقل‌ساز آسیب‌پذیر از ناحیه تغییرات ساختاری اقتصادی مقابله کنند. تعدیل ساختاری با یک چهره انسانی از یک شعار فرعی در دهه ۱۹۸۰، به یک سیاست اصلی در دهه ۱۹۹۰ تبدیل شد. وجود شبکه‌های امنیت اجتماعی اکنون یک ویژگی معمولی برای مجموعه تعدیل ساختاری مورد حمایت صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است. در حقیقت در بحرانهای آسیایی (۹ - ۱۹۹۷) این دو مؤسسه از موضع محافظه‌کاری سنتی مالی به پشتیبانی از رفع ناکارآمدی بخش عمومی در جهت حمایت از امنیت غذایی، مراقبت‌های اولیه بهداشتی، آموزش پایدار و استخدام تغییر موضع داده‌اند. از سال ۱۹۹۶ بانک جهانی در ابتکار تازه‌ای در زمینه خط مشی تعدیل ساختاری، بیش از یکصد نهاد مدنی را به منظور بررسی ارتباطات گوناگون ممکن بین تغییرات ساختاری اقتصادی نئولیبرال و فقر به همکاری واداشته است. (۱۸) ضمن اینکه صندوق بین‌المللی

پول در سال ۱۹۹۹ نام تسهیلات تعدیل ساختاری فزاینده را به کاهش فقر و تسهیل رشد تغییر داد.

ممکن است رویکردهای غالب نسبت به تجارت جهانی، تا حد زیادی تأثیرات زیانبخش مشخصی بر کاهش فقر داشته باشد. برای مثال بازارهای آزاد جهانی، در انتقال کالاهای اساسی به کشورهای فقیر، بیشتر متکی بر فرآیند صادراتی بوده‌اند هر چند که دوره‌های تجارت آنها از ۱۹۷۰ به بعد به طور یکنواخت در حال کاهش بوده است. قیمت‌های جهانی کالاهای اساسی در میانه دهه ۱۹۹۰ در پایین‌ترین سطح از دهه ۱۹۳۰ به بعد باقی ماند. علاوه بر این نتایج یک مطالعه انجام شده از سوی آنکتاد (کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد) نشان می‌دهد ۴۸ مورد از فقیرترین کشورهای جهان همگی بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ میلیون دلار در سال، در نتیجه کاهش صادرات و افزایش واردات مواد غذایی بر اساس توافقنامه اروگوئه زیان دیده‌اند. (۱۹)

بحران بدهی‌ها در زمینه طرحهای جهانی در حوزه کشورهای جنوب، تلاشهای به عمل آمده برای کاهش فقر در بسیاری از این کشورها را از اوایل دهه ۱۹۸۰ به شدت ناکام گذاشته است. بدهی‌های خارجی جنوب بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۷، ۱۶ برابر شده و نزدیک به ۲/۲ تریلیون دلار افزایش داشته است. بیش از ۱/۳ تریلیون دلار افزایش بدهی‌ها بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴ در تراکم بهره‌های پرداخت نشده و امها و اعتبارات جدید ریشه داشته است. (۲۰)

تا سال ۱۹۹۶، تعدادی از فقیرترین کشورها که تعدادشان به ۴۱ مورد می‌رسد، ۲۵۰ میلیون دلار افزایش در بدهی‌های خارجی‌شان داشته‌اند؛ بارسنگینی که به شدت توانایی حکومت‌ها را در مبارزه با فقر محدود می‌سازد. در آمریکای لاتین در طی بحران بدهی‌ها در دهه ۱۹۸۰، تعداد افراد فقیر از ۱۳۰ به ۱۸۰ میلیون نفر افزایش یافت. (۲۱)

برخی ابتکارات از دهه ۱۹۹۰، باعث کاهش بدهی‌های خارجی کشورهای جنوب شده است. درباره وام‌گیری حکومت‌های جنوب از دولت‌های شمال، باشگاه اعتبارات

دولتی پاریس از سال ۱۹۹۸ سلسله اقداماتی را در جهت بخشودگی (بدهی‌های) کشورهای کم‌درآمد به مرحله اجرا گذاشته است. این طرحها لغو بدهی‌های پایین، زمانبندی مجدد و درازمدت بازپرداخت وامهای باقی مانده و کاهش نرخ بهره را دربرداشته است. در نهایت از اواسط دهه ۱۹۹۰، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بطور مشترک، اقداماتی در مورد کشورهای فقیر و به شدت بدهکار آغاز کردند و مقرراتی را به منظور بخشودگی بدهی‌های این کشورها به مؤسسات چندجانبه تنظیم کردند. این برنامه در سال ۱۹۹۹ با بودجه‌های بیشتر و با شدت اجرایی کمتر و به جهت سرعت بخشیدن به بخشودگی بدهی‌ها توسعه یافت.

با وجود این، نباید پیشرفت در کاهش بار بدهی‌های خارجی کشورهای فقیر را بیش از حد تخمین زد. به طور کلی روند بخشودگی (بدهی‌ها) اندک، آهسته و تدریجی بوده است. در زمینه بدهی‌های دو جانبه، بهره‌گیری از (مذاکرات) توروئنتو ۱۹۸۸، توروئنتو ۱۹۹۱ و ناپل ۱۹۹۴ محدود بوده است. وقتی این گزارش را با مقیاس و سرعت واکنش به بحران در کمپانیهای مالی جهانی مقایسه کنیم نتایج آن به طور غم‌انگیزی برای ما مشخص می‌شود.

همچنین سایر بی‌ثباتی‌های مالی جهانی، کشورهای فقیر را رنجور ساخته‌اند. برای مثال تلاشهای هماهنگ، میزان فقر را از ۷۰ میلیون (۶۰ درصد جمعیت) در ۱۹۷۰ به ۲۵/۹ میلیون نفر (۱۳/۷ درصد جمعیت) در ۱۹۹۳ کاهش داد. بحران‌های آسیایی (۹ - ۱۹۹۷)، تا حد زیادی با توسعه سرمایه‌های جهانی و بازارهای رایج گسترش یافت، و به فقر ۱۳۰ میلیون اندونزیایی تا اوایل سال ۱۹۹۹ منجر شد. (۲۲)

البته باید توجه داشت که جهانی‌سازی سرمایه‌داری تنها نیروی موثر در تداوم و کاهش فقر فزاینده در تاریخ اخیر نبوده است. سازمانهای اجتماعی، مالی، سیاست‌های ملی، فجایع ملی و دیگر نیروها نیز نقش خود را ایفا کرده‌اند. تاثیر نیروهای بالقوه

موجود در روابط جهانی در جهت کاهش فقر نیز دور از انتظار بوده و از برخی جهات حلقه‌های فراقلمروگرایی به بدبختی بسیاری از مردم فقیر منجر شده است.

د. ثبات مالی

بی‌ثباتی بازارهای مالی جهانی، نامنی در میان ثروتمندان و فقیران جهان را افزایش داده است. زنجیره طولانی نوسانات رایج، سقوط بازار سهام و اوراق قرضه و ناکامی الگوهای وارداتی، سرمایه‌گذاران را همواره در نگرانی باقی نگه داشته است. این قبیل نامنی‌ها دانش جدید مدیریت ریسک (خطر) را ایجاد کرده است.

در واقع ناپایداری ویرانگر بانکداری جهانی، نامنی‌ها و شناوری سرمایه و پول، در اواخر دهه ۱۹۹۰، باب بحث‌هایی را درباره مدیریت مالی جهانی گشود.

با در نظر گرفتن عنصر شفافیت، بسیاری از صاحب‌نظران امیدوارند که بازارهای مالی جهانی، زمانی که از اطلاعات اقتصادی خرد و کلان مرتبط، با کیفیت خوب و سرعت دسترسی مطلوب برخوردار باشند، کمتر بی‌ثبات شوند. برای رسیدن به این هدف، صندوق بین‌المللی پول، استاندارد انتشار اطلاعات خاص را در سال ۱۹۹۶ تنظیم و سیستم انتشار اطلاعات عمومی را در سال ۱۹۹۷ برقرار ساخت.^۱ در سال ۱۹۹۹، فدراسیون بین‌المللی حسابداران، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی یک تریبون بین‌المللی پیرامون حسابداری و کارایی حسابرسی در شرق و جنوب ایجاد کردند. ضمن اینکه اخیراً کمیته استانداردهای حسابرسی بین‌المللی، استانداردهای جهانی در مورد حسابرسی تجهیزات مالی را به طور خاص تنظیم کرده است. (۲۳)

با در نظر گرفتن اصل احتیاط در بانکداری جهانی، «کمیته باسل» در زمینه نظارت بر بانکداری از بدو تاسیس در سال ۱۹۷۵ توصیه‌ها، راهنمایی‌ها و استانداردهای متعددی را صادر کرده است. از جمله این اقدامات می‌توان به گزارش سرمایه باسل در سال

۱ این اطلاعات در شبکه اینترنت با آدرس <http://dsbb.imf.org> در دسترس هستند.

۱۹۸۸ اشاره کرد که برای نخستین بار اعلام و سپس اصلاح شد. این گزارش چارچوبی را برای ارزیابی وضعیت سرمایه بانک‌هایی که درگیر وام‌دهی جهانی در مقیاس گسترده هستند فراهم کرده است. در سال ۱۹۹۷ کمیته باسل مجموعه‌ای از اصول اساسی برای نظارت بر بانکداری کارآمد را منتشر کرد. (۲۴) صاحب‌نظران مالی در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) مستقر شدند و از سال ۱۹۸۹ برای جلوگیری از چهره قانونی بخشیدن به پولهای غیرقانونی از طریق تحکیم مقررات ملی و همکاری‌های چندجانبه نزدیکتر فعالیت کرده‌اند.

برخی از ابتکارات مدیریتی دیگر، با هدف افزایش ثبات در سرمایه جهانی انجام شده است. سازمان بین‌المللی کمیسیون امنیتی، انجمن بین‌المللی نظارت کنندگان بر بیمه، کمیته سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در بازارهای مالی، کمیته باسل در سیستم مالی جهانی، مجموعه‌ای از مقررات و استانداردها را به منظور مدیریت ریسک در دادوستدهای خارجی - جهانی، تضمین‌ها شناوری سرمایه و بازارهای تضمینی تدوین کرده‌اند. از سال ۱۹۹۶ کمیته باسل و انجمن بین‌المللی ناظران بیمه، یک تریبون مشترک مالی را شکل داده‌اند که همکاری میان بانک‌ها و مسئولان نظارت بر امنیت و تضمین سرمایه‌ها را افزایش می‌دهد. *انجمن بین‌المللی مطالعات فرسنگی*

با وجود چنین ابتکاراتی، ثبات کافی برای مالیه جهانی به وجود نیامده است و بحرانها تداوم یافته‌اند. علاوه بر این، آسیب‌پذیری‌ها نسبت به خطراتی که فراتر از سرمایه‌گذاران را دربرمی‌گیرند افزایش یافته‌اند. به راستی بیشترین آسیب‌های ناشی از بی‌ثباتی مالی جهانی تا حد زیادی بردوش افشار آسیب‌پذیر اجتماعی بوده است.

ه. هویت

امنیت بشری نه تنها یک مساله اساسی نظامی، زیست‌بومی و اقتصادی است، بلکه ابعاد روانشناختی و فرهنگی نیز دارد. از این لحاظ اشکال هویت به دلیل اهمیت امنیت از جنبه اعتماد به نفس برای شخص و جامعه معنا پیدا می‌کند.

جهانی شدن معاصر به چندجهت دامنه وسیعتری را برای کشف و بیان هویت فراهم کرده است. احتمالاً جغرافیای سرزمینی، یک پیشداوری محدود کننده در زمینه هویت ملی را دربرداشته و در مقایسه با آن، فضاهای فراسرزمینی، موارد بیشتری را برای بیان عناصر دیگر هویت از قبیل طبقه، معلولیت، جنسیت، نسل (بویژه جوان)، ملیت (اقلیت‌ها)، حرفه، نژاد، مذهب و اولویت‌جنسی را بوجود آورده است. بر این اساس جهانی شدن یک تحول از محدوده ملیت تک بعدی و دولت محور (همانطوریکه گرایش غالب در اواسط قرن ۲۰ بود) به یک ملیت با کثرت‌گرایی بیشتر را موجب شده و در نتیجه بسیاری از مردم امنیت و اعتماد به نفس بیشتری یافته‌اند.

از سوی دیگر، حرکت به سوی هویت‌های جایگزین چندبعدی و دوری، امنیت را از شکل ساده و تشخیص پذیری که مشخصه دولت‌های سرزمینی بود و هر شخصی تمایل داشت که به طور مشخص برحسب یک هویت ملی واحد مرتبط با دولت متبوع خود تعریف شود، خارج ساخته است. زمانی که مردم در یک زمان چند نوع هویت دارند، مفهوم «خود» می‌تواند مبهم و لرزان باشد. زمانی که همزیستی مشترک ملی به شکل ساده و مشخص نباشد و در تناقض و رقابت با طبقه، مذهب و هویت‌های دیگر قرار گیرد، تزلزل می‌تواند بیشتر افزایش یابد. به این لحاظ دنیای در حال جهانی شدن، برخی مردم را با احساسات پراکنده و یا فاقد احساسات به حال خود رها می‌کند.

از سوی دیگر جهانی شدن گاهی با اضمحلال فرهنگی، امنیت هویت را کاهش داده است. فرهنگ‌های گوناگون در برابر تهاجم تلویزیونها، گردشگران جهانی، زبان انگلیسی جهانی شده، عقاید پیرامون حقوق بشر جهانی، مصرف‌گرایی جهانی و دیگر

مداخلات فرامرزی که سنت‌های محلی را نقض کرده‌اند، تسلیم شده‌اند. (۲۵) علاوه بر این، سدها، جاده‌ها، و دیگر طرح‌های زیربنایی عمده که هزینه آنها از سوی موسسات جهانی تأمین و یا توسط پیمانکاران جهانی ساخته شدند، به شدت برخی از شیوه‌های بومی زندگی را حذف کردند. از آغاز کار مؤسسات اقتصادی مثل کمیته باسل، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، سازمان تجارت جهانی و بانک جهانی، به واقع تمایل بر این بوده است که چنین نهادهایی از نظر فرهنگی بی‌هدف باشند. چنین رویکردی از برخی جهات به تخریب عمده زیست - جهان کمک کرده است. در این باره برخی ناظران نگران آن بوده‌اند که جهانی شدن می‌تواند تنوعات فرهنگی همراه با تنوعات بیولوژیکی را نیز درهم بشکند. افزون بر نیمی از زبانها که در حال حاضر با آنها تکلم می‌شود و در معرض نابودی قرار دارند، برخی زبان‌شناسان پیش‌بینی می‌کنند که بیش از ۹۰ درصد از زبانها در طی این قرن فراموش شوند. (۲۶)

گفته می‌شود در زمانهای گوناگون، محافظه‌کاران فرهنگی به این نکته رسیده‌اند که فن‌آوری‌های جهانی شدن می‌تواند برای تقویت هویت‌های تنزل یافته یا خفته، مورد استفاده واقع شوند. برای مثال تولیدات ویدئو به تجدید حیات فرهنگ بدوی در مصر کمک کرده و تلویزیون، اعتماد به نفس را در میان بومیان استرالیا و کاتالانهای اسپانیا تشویق کرده است. (۲۷)

بنابراین جهانی شدن یک نیروی یکپارچه سازنده که بتواند فرهنگ تمام هویت‌های دیگر را مضمحل کند، نبوده است. ظهور فراقلمروگرایی برخی شیوه‌های زندگی [بومی] را با غربی کردن و آمریکایی کردن کاهش داده است.

۵. یکپارچگی اجتماعی

عموماً درک مفهوم قطعی از هویت به شکل دقیق با مفهوم قطعی و مشخص از تعلق و انتظارات یک شخص مرتبط است. بدین سان که شخصی از ناحیه جمع

پشتیبانی را دریافت کرده و از آن جمع نیز پشتیبانی کند. با تشخیص اهمیت این التزامها، کنفرانس سران جهان برای توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵، انسجام و همگرایی بیشتر را به عنوان یک موضوع مهم در زمینه کاهش فقر و ایجاد اشتغال مورد تشویق قرارداد. احتمالاً جهانی شدن، یکپارچگی اجتماعی را به عنوان یک روند تقویت کرده تا آن حد که هم شبکه‌های چندگانه یکپارچگی جهانی و هم تعهدات جهانشمول را مورد تشویق قرار داده است. روایت جهانی‌نگر لیبرال از اجتماع واحد جهانی که با یک دولت جهانی بنیان گیرد، در هیچ جا مورد احترام نیست. اما ارتباطات فراملی گاهی یکپارچگی‌های محلی و همچنین یکپارچگی‌های دولت - ملت‌ها را کاهش داده‌است.

نتیجه‌گیری

به طور کلی با ملاحظه ارزیابی‌های یاد شده، می‌توان گفت فرآیند شتابان جهانی شدن سطوح رضایت‌بخشی از امنیت در زندگی اجتماعی را به بار نیاورده است. جغرافیای تغییر یافته سیاست‌های جهان معاصر، جنبه‌های منفی قابل توجهی برای صلح، استحکام زیست‌بوم، فقر، استخدام، هویت و یکپارچگی اجتماعی به همراه داشته است. همان‌طور که در آغاز مقاله اشاره شد، نمی‌توانیم هیچ نظم اجتماعی را با تامین امنیت کامل انتظار داشته باشیم.

البته نباید اهمیت جهانی شدن برای امنیت بشری مهم جلوه داده شود. همچنین دیگر نیروهای اجتماعی به وضعیت نامنی کمک کرده‌اند. جهانی شدن خود محصول پیشرفت‌های عمده در دانش و ساختارهای تولیدی، تحولات فن‌آورانه و ابزارهای مدیریتی بوده است. علاوه بر آن اوضاع و احوال محلی و ملی غالباً به ویرانی محیط زیست و عدم یکپارچگی اجتماعی و مانند آن کمک کرده‌اند.

هیچ کدام از پیامدهای منفی جهانی شدن برای امنیت که در این مقاله توضیح داده شد مربوط به ماهیت روابط جهانی نبوده است. رویکردهای گوناگون نسبت به جهانی

شدن (بویژه تا حدزیادی سیاست‌های نئولیبرال) ممکن است پیامدهای مطلوبتری داشته باشد. با وجود این در تاریخ معاصر افزایش فضاهاى فرامرزی باعث شده تا فردی مانند آلریخ بک وضعیت فعلی ما را با عنوان «جامعه ریسکی» مشخص کند.



* AartScholte, Jan, *Globalization: A Critical Introduction*, London, Routledge Press, 2000, chap9, pp 207 – 233.

یادداشت‌ها

1. Booth, K.(ed), *New Thinking A bout Strategy*, London, Harpercollins, 1991.
2. Price, R, "Transnational civil Society", *International Organization*", Vol. 52, No3, Autumn 1998.
3. Weiss, T.G, *The United Nations and Changing World Politics*. Boulder, Westiew, 1994.
4. Young, P., *Person To Person*, Cambridge, Grantand, 1991, p45.
5. Heeling, H., *Elusive Saviors*, Utrecht, International Books, 1995, ch. 4
6. Reed, D., *Structrual Adjustement, The Environmental Development*, London, Earthcan, 1996.
7. Edwards, M., *International Co – Operation*, London, Earthcan, 1999, p 22.
8. UNDP, *Human Development Report*, Oxford, Oxford University Press.
9. FT, "The FT500 Servey", *Financial Times Supplement*, 25 January.
10. Frei, E., *Address of the President of Chile to the World Summit*, March 1995.
11. Rohwer, J., "China: the titan stires". *Economist*, Vol. 325, No. 7787.
12. AP, "Newly Poor", *Associated Press Newswire*, 15 January 1999.
13. FAO, *The State of Food and Agnculture*, Rome, Agriculture Organization, 1998.
14. Speth, J., "A Post-rio compact", *Foreign Policy*, Vol, 88, No.3, Autumn 1992, pp 145 – 161.
15. *Human Development Report*, *op.cit*.
16. Ibid.
17. Jolly, R., *Remarks of Unicef at the World Summits for Social Development* 5-12 March 1995.
18. SAPRI, *Sovereignty in the Age of Globalization*, New York, Routledge, 1999.
19. Went, R., *Grenzen de Globalisering*, Amsterdam, Het Spinhuis, 1996.
20. World Bank, *World Debstables*, Vol. 1, Washington, DC, World Bank, 1994, p192.
21. Bello, W., *Dark Victory: The United States and Global Poverty*, London, Pluto, 1994.

22. "Newly Poor", op.cit.
23. Bryant, R., *Cross – Border Finance in the 21th Century*, Washington, Brooking, 1999.
24. BIS, *Core Principles for Banking Supervision*, Basle, Bank for International Settlement. 1997.
25. Rubenstein, C., "The Flying silver message stick", *Saraval Museum Journal*, Vol. 42, No.63, pp 15, 16.
26. Wurm, S., *Atlas of The Worlds Languages*, Paris, Unesco, 1996.
27. Downunt, T., *Channels of Resistance*, London, BFI, 1993.

